

دیدار آزادگان، مسؤولان بنیاد مستضعفان و جانبازان و وزارت آموزش و پرورش - 7 شهریور / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور عزیزان ازبندرسته و آزادگان سربلند و افتخارآفرینمان در این جمع انبوه و در کنار خانواده‌های معظم شهدای عالی‌قدر و جانبازان و مفقودان و کارگزاران مختلف کشور، به هم‌همی ما و هم‌همی قشرهای مختلف ملت‌مان، این حقیقت را به‌طور روشن می‌فهماند که صبر و مقاومت و ایثار و جانبازی و فداکاری در راه خدا - که در درجه‌ی اول، شهدای عالی‌قدر ما و در درجه‌ی بعد، اسرا و جانبازان و خانواده‌های این عزیزان و خانواده‌هایی که عزیزانشان مفقودالاثر هستند، به آن مفتخرند - ثمرات شیرینی دارد که یکی از آنها همین است که ما در یک مجمع، این عزیزانمان و این یوسف‌های ملت ایران را که سالیان درازی از ما دور بودند، با احساس پیروزی و افتخار و با رضایت از لطف خداوندی، در کنار قشرهای دیگر می‌بینیم.

این نکته را هم‌همی ما - چه مسؤولان و چه آحاد مردم - باید به یاد داشته باشیم که تنها تکیه‌گاه یک ملت بزرگ و مبارز و موحد، یاد خدا و توکل به خدا و اعتماد به خداست. این، ما را پیش برد، پیروز کرد و به این‌جا رساند. اگر ملت دیگری به جای ما بود و هم‌همی شرایط ما را می‌داشت؛ با این‌همه دشمن، با آن محاصره، با تحمیل جنگی هشت‌ساله، با ایجاد گرفتاری‌هایی مختلف از داخل و خارج، با تهاجم تبلیغاتی، تهاجم فرهنگی، تهاجم مالی، تهاجم پولی، تهاجم نظامی و با سابقه‌ی فساد چندده‌ساله، بلکه چندصده‌ساله‌ی که بر او تحمیل کرده بودند، منتها منهای ایمان و منهای خدا، یقیناً آن ملت طاقت نمی‌آورد و به این‌جا نمی‌رسید و در نیمه‌ی راه به زانو درمی‌آمد و نمی‌توانست پرچم پیروزی را مثل ما که امروز بر بام عالم برافراشته‌ایم و افتخار می‌کنیم، بیفزاید.

این که دشمنان خدا - امریکا و استکبار و در برهه‌ی شرق و غرب با هم و ارتجاع و دیگران - این‌طور دست‌به‌یک‌ی کردند و به ما حمله کردند، به خاطر همین بود که محاسباتشان، از عنصر توکل و ایمان به خدا خالی بود و آن را در زندگی ما به حساب نیاورده بودند. با این حساب، باید بگوییم که آنها از یک جهت درست فهمیده بودند. واقعاً اگر ملت ما ایمان به خدا، و اتصال به مبدأ ربوبی و غیب را نداشت، همانی که آنها خواسته بودند، می‌شد؛ یعنی انقلاب شکست می‌خورد، ملت عقب‌نشینی می‌کرد، پرچمداران مبارزه، سرکوب و شرمنده و سرافکنده می‌شدند و هم‌همی مبارزان سرتاسر عالم، عقب‌نشینی می‌کردند. اگر خدا در بین نبود، قضیه غیر از این نبود. این جای قضیه را استکبار اشتباه کرد و باز هم می‌کند. ملتی که به خدا متکی و معتقد باشد و حقیقتاً اعتماد به خدا در قلب او باشد، شکست‌ناپذیر است و هیچ چیز نمی‌تواند او را به عقب‌نشینی وادار کند.

از شعار و حماسه و خشنودی از آنچه که گذشت، یک لحظه خارج بشویم، ببینیم تکلیف ما چیست. تکلیف یک‌یک ما این است که این ارتباط و پیوند با خدا را حفظ کنیم و هرگز آن را قطع نکنیم. ارتباط یک‌یک ما با خدا به این است که عمل و قلب و اخلاق و رفتار خود را طبق پسند و رضای الهی قرار بدهیم، از خودخواهی و دروغ و تهمت و فریب و حاکم کردن نفس و خواهش‌های نفسانی بر زندگی خود پرهیز کنیم، یاد و ذکر خدا و توجه و اتصال حقیقی به او و مبارزه‌ی با نفس و عبادت واقعی را روزبه‌روز در عمل شخصی و فردی خودمان تقویت کنیم. این، وظیفه‌ی یک‌یک ماست.

وظیفه‌ی جمعی ما به عنوان یک جامعه و یک نظام و یک دولت و یک حکومت، این است که احکام الهی - قانون بر اساس دین خدا - را در سطح جامعه، معیار و ملاک عمل عمومی قرار بدهیم؛ همچنان که مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ما، بحمدالله این مسؤولیت را داشته‌اند و همیشه هم رعایت شده است. دولت، در خط دین خداست. هم‌همی کارگزاران دولتی، در سایه‌ی دین و دستورات الهی هستند. همین برادران امور تربیتی که در این‌جا هستند، تربیت بر اساس دین و معیارهای آن را برنامه‌ی خودشان قرار بدهند و کوچکترین کوتاهی و سستی در این راه را روا ندارند. برادرانی که در دستگاه بانکی کشور مشغول کار و خدمت هستند، تکلیفشان را بر اساس تفکر اسلامی و دینی دنبال کنند و انجام بدهند. مسؤولان و کارگزاران دستگاه‌های مختلف

دولتی، در برخورد و مواجهه‌ی با مردم، با اخلاق اسلامی برخورد کنند. بانكداري اسلامي - پول را در جامعه به شكل اسلامي مطرح كردن و داد و ستد كردن - مسأله‌ي بسيار مهمي است. اگر بتوانيم اين حقيقت را به معنای جامع كلمه در جامعه به وجود بياوريم، فتح عظيمي در دنيا خواهد بود. فتح، فقط فتح قلعه‌ها و سنگرها نيست. اگر كارگزاران دستگاه بانكي بتوانند اين را به معنای جامع و كامل مسأله اجرا و پياده كنند، بزرگترين سنگر اقتصادي امروز دنياست. خصوصيت بانكداري اسلامي و از لوازم آن، دادوستد پول بر اساس غير ربا، تنظيم مبادلات پولی بر اساس قوانين اسلامي و معاملات اسلامي صحيح است، كه در آنها ظلم و استثمار و كنز و تبعيض و اختلاف طبقاتي و امثال اينها به وجود نمي‌آيد.

دانشمندان هم كه اهل تحقيق هستند و جمعي از آنها به مناسبتي در اين مجلس تشريف دارند، تحقيق علمي را به معنای واقعي كلمه، براي رسيدن به حقايق نامكشوف دنبال كنند. تحقيق، يعني كاويدن، كاوش، تلاش كردن براي رسيدن به چيزي كه تا به حال به آن دسترسي پيدا نشده است. اين محقق، در مسایل طبيعي و علمي و فلسفي و مسایل مربوط به جهان خارجي و واقعي يا مسایل مربوط به انسان و تاريخ و غيره تحقيق مي‌كند. اين محقق، در مقابل چه چيزي تحقيق مي‌كند؟ چه مي‌گيرد و تحقيق مي‌كند؟ جواب اين است كه محقق تحقيق مي‌كند، تا به حقيقت برسد. پاداش او، اين است. پول، مال و حتي تشويق، پاداش محقق نيست؛ در مقابل تحقيق او كوچك است. البته بايد اينها نثار بشود، پولها بايد خرج بشود، كارها بايد انجام گيرد، تسهيلات بايد فراهم بشود، تا تحقيق انجام بگيرد؛ اما اينها هيچ كدام پاداش تحقيق نيست. پاداش تحقيق، رسيدن به حق است. اينها احكام اسلامي است. اينها از لحاظ جمعي، عباره‌الاخراي ارتباط جامعه با خداست.

برادران! اگر اين كارها را كرديد، جمهوري اسلامي اسوه و الگو باقي خواهد ماند و كيد دشمنان و شياطين براي پايين آوردن جمهوري اسلامي از اين مرتبه، به جايي نخواهد رسيد. انقلاب اسلامي، ارايه‌ي يك الگوي جديد براي زندگي اجتماعات بشري و كشورها بود و هست و هنوز هم جديد است. اگر خوب عمل كنيم، اين الگو براي جوامع بشري، شايد تا قرن‌ها الگوي يگانه خواهد بود. دشمن و استكبار و كمپانيهاي نفتخوار و سرمايه‌داران استثمارگر عالم، از همين مي‌ترسند. اگر چيزي به نام اسلام باشد كه به گاو و گوسفند و منافع آنها صدمه‌يي نزند، با آن هيچ مخالفتي ندارند. با اسلامي كه نفي قدرتهای شيطاني و ظلم و تبعيض در آن نباشد، كسي مخالف نيست. آنها با اسلام "لااله الاالله" مخالفند، با اسلام حمايت از انسانها مخالفند، با اسلام مبارزه با ظلم و ستم و زورگويي و قلدري مخالفند، با اسلامي كه وقتي قدرت پيدا مي‌كند، دست سرمايه‌داران و زورگويان و مستشاران و مفتخوران و كركسهايي كه در اين مملكت، بر سر مردار سفرهي شاهنشاهي نشسته بودند، قطع مي‌كند، مخالفند. وقتي در جمهوري اسلامي، منافعشان تهديد و قطع مي‌شود، شرق و غرب دست به دست هم مي‌دهند و متجاوز به ايران را مورد حمايت قرار مي‌دهند.

امروز به خليج فارس لشكر كشيده‌اند كه چرا عراق به كويت تجاوز کرده‌است. البته تجاوز، كار بسيار بدی است. آنها هم بي‌خود كردند تجاوز كردند. مجبور هم خواهند شد كه از اين تجاوز، عملاً اظهار پشيماني كنند و عقب بکشند؛ در اين شكي نيست. اما آيا آن كساني كه به عنوان مقابله‌ي با تجاوز و برهم‌زدن نقشه‌ي جغرافيايي منطقه، وارد منطقه شدند، راست مي‌گویند و مقابل تجاوز مي‌ايستند، يا براي منافع خودشان سينه مي‌زنند؟! شما كه امريكا هستيد، شما كه سرمايه‌داران بزرگ دنيا هستيد و براي منافع خودتان تلاش مي‌كنيد، چه لزومي کرده كه اين ملت‌هاي منطقه، زجر و شکنجه‌ي حضور شما در اين منطقه را بکشند؟ حضور امريكا، براي كشورهاي منطقه‌ي خليج فارس و هر جايي كه اينها حضور پيدا كنند، ناميمون و ميشوم است. اينها در جايي امنيت نمي‌آورند، اينها اهل مقابله‌ي با تجاوز نيستند؛ خودشان متجاوزند. مگر تجاوز به كويت، با تجاوز به گرانا‌دا و پاناما و بقيه‌ي جاها فرق دارد؟ اگر اينها با تجاوز مخالفند، چرا اعضاي دايمي شوراي امنيت، در مقابل آنها اين‌طور موضعگيري نكردند؟! چه‌طور تجاوز را امريكا بکند، خوب است؛ ديگري بکند، بد است؟! تجاوز را هر كس بکند، بد است.

ما با تجاوز مخالفيم. ما آن روزي كه متجاوزان عراقي داخل خاك ما بودند، سال‌هاي متمادي گفتيم اينها متجاوزند و متجاوز بايد تنبيه بشود. گفتيم اگر امروز متجاوز تنبيه نشود، در منطقه‌ي حساس خليج فارس، تجاوز باقي خواهد

ماند. آن روز چون همه‌شان علیه اسلام همدست شده بودند، کسی از ما این حرف را گوش نکرد؛ امروز به شرش گیر کرده‌اند. امروز هم من می‌گویم که دشمنی اصلی اینها با اسلام است. همه‌ی اینها حاضر و آماده‌اند، در صورتی که منافعشان ایجاب بکند، باز علیه اسلام همدست بشوند. آنچه برای اینها اهمیت دارد، بیداری و آگاهی و ایستادگی ملت‌هاست که اسلام آن را می‌دهد.

آنهایی هم که حالا یکشنبه ضد امریکایی شده‌اند، این طرف و آن طرف راه افتاده‌اند و دم از ضدیت با امریکا می‌زنند، آنها هم مایه‌ی مسخره‌ی هوشمندان عالمند. عمری را سر سفره‌ی امریکا نشستند و برخاستند و خوردند و چریدند و با پول و تفنگ امریکا توانستند چهار صباح حکومت بکنند، حالا ناگهان دو روزه ضد امریکایی شده‌اند و می‌نشینند و پامی‌شوند و این طرف آن طرف، دم از ضدیت با امریکا می‌زنند! نخیر، ضدیت با امریکا و استکبار و قلدان را آن کسی می‌تواند ادعا بکند که با مواضع ثابت و روشن، با تجاوز و قلداری مخالف باشد. هیچ قلداری نمی‌تواند بگوید من ضد امریکا هستم. بله، قلدان همه با هم بدند. گرگ‌های بیابان وقتی گرسنه می‌شوند، همه با هم بدند. این، افتخاری نیست. شوروی و امریکا، سال‌های متمادی مثل دو گرگ گرسنه در مقابل هم ایستاده بودند، به جان هم می‌افتادند و ملت‌های بیچاره را پامال می‌کردند. مگر برای شوروی که ضد امریکا بود، یا برای امریکا که ضد شوروی بود، افتخاری بود؟ افتخار، برای آن ملت و نظام و دستگاهی است که به خاطر حقیقت و صداقت و نجات انسانها و مقابله و مبارزه‌ی با ظلم و ظالم، در مقابل امریکا یا هر قدرت دیگری بایستد و آن، جمهوری اسلامی و بندگان صالح خدا و مسلمانانند و لاغیر. ملت ما، نظام جمهوری اسلامی و دولتمردان عزیز زحمتکش مؤمن ما، این مواضع را حفظ می‌کنند.

خدا را شکر می‌کنیم که امروز دولت، رئیس‌جمهور، مسؤولان، نمایندگان مجلس، کارگزاران قوه‌ی قضاییه و نیروهای مسلح ما، انسان‌های پاک و سالم و صالحی هستند. اینها یاران و مریدان و رهروان راه امامند. آن امامی که چهره‌ی باصلابتش، به یکایک انسان‌هایی که در بند بودند، امید بخشید؛ حتی حالا هم که مدت‌هاست جسم او در میان ما نیست، اما روح و یاد او الهامبخش است و هنوز در گوشه‌وکنار کشورهای اسلامی، وجدان‌های بیدار و آگاه، به یاد امام به هیجان می‌آیند، شعرا شعر می‌گویند، ملتها شعار می‌دهند، روشنفکران می‌نویسند و می‌گویند و پشت سر امام این ملت حرکت می‌کنند.

من وقتی به منظره‌ی آزادی اسرای عزیز و عالی‌قدرمان نگاه می‌کنم، می‌بینم که اینها مثل فولاد و کوه، استوار برگشتند و ملت که اینها را استقبال می‌کند، همان روحیه‌ی بی‌نشان می‌دهد که در طول این ده، دوازده سال، در حساسترین مواقع نشان داده است. جوانان و رزمندگان عزیز! شماها وقتی به جبهه رفتید، این ملت همین‌طور با شور و شوق و شعار، شماها را بدرقه کرد. حالا هم که برگشته‌اید، باز با همان شور و شوق و شعار، از شما استقبال می‌کند. این ملت، ملت فوق‌العاده و بی‌نظیری است. در آگاهی و شجاعت و پایداری هم بی‌نظیر است. مواضع این ملت، مواضع مستحکمی است.

خدا را سپاسگزاریم که مسؤولان این ملت هم از خود همین ملتند و مثل آنها فکر می‌کنند، حرف می‌زنند، عمل می‌کنند و زندگی می‌نمایند. ما نگرانی نداریم و از کسی نمی‌ترسیم. ما از چه کسی بترسیم؟ "فلا تخشوه" و "واخشون". خدای متعال می‌فرماید: از هیچ قدرتی نهراسید. ملت ما از هیچ قدرتی نهراسیده است، باز هم نمی‌هراسد و هیچ قدرتی نسبت به این انقلاب و این کشور، هیچ غلطي نمی‌تواند انجام بدهد.

به حرف اول بر می‌گردم. اگر می‌خواهید همان امتی باشید که "کنتم خیر امه اخرجت للناس"، ارتباطتان را با خدا حفظ کنید. این دل‌ها را از یاد خدا پر کنید و به محبت خدا جلا بدهید و به ذکر الهی منور نمایید. این، آن کیمیا و آن کبریت احمری است که همه چیز در مقابل آن کوچک است.

امیدواریم که خداوند متعال، ملت عزیز ما را همیشه دلشاد و سربلند بدارد. ان شاءالله خداوند بقیه‌ی آزادگان عزیز ما را هم هرچه زودتر به آغوش ملت و میهن برگرداند. امیدواریم که ان شاءالله خداوند خبرهای خوشی به خانواده‌های مفقودان عزیزمان برساند. امیدواریم که خداوند روح مطهر شهدای گرانقدر ما را - که هرچه داریم، به برکت خون مظلومانه‌ی شهدایمان داریم - با اولیایشان محشور کند. خداوند ان شاءالله قلب مقدس ولی‌عصر را از ما خشنود کند

و روح مطهر امام عزیز را از ما شاد نماید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته